

Conflict of religious behavior with health requirements During the Corona

تزام رفتارهای دینی با الزامات بهداشتی در دوران کرونا

Wrya Hafidi^{1*}وریا حفیدی^{*۱}

1- Assistant Professor of Shafe'ee Jurisprudence and law, Humanities and Social Sciences Faculty, University of Kurdistan, Sanandaj, Iran

۱- استادیار فقه و حقوق شافعی دانشکده علوم انسانی و اجتماعی دانشگاه کردستان، سنندج، ایران

Received Date: 2020/04/06

دریافت مقاله: ۱۳۹۹/۰۱/۱۸

Accepted Date: 2020/08/16

پذیرش مقاله: ۱۳۹۹/۰۵/۲۶

Abstract

چکیده

Background and Aim: The emergence and rapid spread of coronavirus disease and deal with the transfer of the provisions of health limitations, in particular to refrain from participation in society. On the other hand, the obligation to attend congregational prayers and collective rituals is a common occurrence among all Islamic religions. The question now is whether the widespread and rapid spread of coronary heart disease, given the different methods of transmission, can be a religious excuse for abandoning worship and collective rituals?

زمینه و هدف: پیدایش و گسترش سریع بیماری کرونا و مقابله با انتقال آن، مستلزم رعایت محدودیت‌های بهداشتی، به ویژه خودداری از حضور در اجتماع است. از سوی دیگر، وجوب حضور در نمازهای جماعت و مناسک جمعی از امور مورد اتفاق میان همه مذاهب اسلامی است. حال این سوال مطرح است که آیا شیوع گسترده و سریع بیماری کرونا با توجه به شیوه‌های مختلف انتقال آن، می‌تواند عذر شرعی در ترک عبادات و مناسک جمعی باشد؟

Materials and Methods: The present study, based on the description and analysis of the propositions of Islamic jurisprudence and the library method, has studied the present subject.

مواد و روش‌ها: پژوهش حاضر با تکیه بر توصیف و تحلیل گزاره‌های فقه مذاهب اسلامی و روش کتابخانه‌ای به بررسی موضوع حاضر پرداخته است.

Conclusion: Infectious diseases have existed throughout human history and the need to maintain health and hygiene is one of the matters emphasized by the Shari'a. However, there is disagreement among experts about the acceptance of infectious diseases. From the religious point of view, there are general or special vacations whose focus is on relieving embarrassment and hardship. Accordingly, the proof of sharia leave is fixed for a person with coronary artery, but regarding the acceptance of the possibility of contracting the disease as leave, this disease can be accepted as a special leave and with jurisprudential rules such as: the need to relieve hardship or eliminate harm Also emphasizing the need to save lives as one of the necessities from the point of view of Sharia purposes, he accepted the existence of infectious diseases until the discovery of medicine as a special leave.

نتیجه‌گیری: بیماری‌های واگیردار در طول تاریخ بشر وجود داشته و لزوم رعایت سلامت و بهداشت از امور مورد تأکید شریعت است. با این وصف، در باب پذیرش بیماری‌های واگیردار در میان صاحب‌نظران اختلاف وجود دارد. از نگاه شرعی رخصت‌های عام یا خاص وجود دارند که مدار آنها بر رفع حرج و عسر است. بر این اساس، ثبوت رخصت شرعی برای شخص مبتلا به کرونا ثابت است اما در خصوص پذیرش احتمال ابتلا به بیماری به عنوان رخصت، می‌توان این بیماری را به عنوان رخصت خاص پذیرفت و با قواعد فقهی همچون: لزوم رفع مشقت و حرج، یا ازاله ضرر و نیز با تأکید بر لزوم حفظ جان به عنوان یکی از ضروریات از نگاه مقاصد شریعت، وجود بیماری‌های مسری را تا زمان کشف دارو به عنوان رخصت خاص پذیرفت.

کلیدواژه‌ها: مناسک دینی، کرونا، بیماری‌های مسری، الزامات بهداشتی، رخصت‌های شرعی. مقاصد شریعت.

Keywords: Religious rites, coronas, infectious diseases, health requirements, religious leave, Purposes of Sharia.

Email: w.hafidi@uok.ac.ir

*: نویسنده مسئول

مقدمه

از مسائلی که امروزه در محافل خصوصی و عمومی مطرح است و در کنار اظهارنظرهای متعدد و گاه متناقض، فشارهای روحی و جسمی فراوانی را بر مردم وارد ساخته، شیوع بیماری کرونا^۱ است. این بیماری برای بار دوم در سال ۲۰۱۹ میلادی مشاهده شد. علت شیوع این بیماری ویروس سارس - کو-۲^۲ است که عدد دو بیانگر شیوع این بیماری برای بار دوم است و بیانگر آن است که به دلیل شباهت این بیماری با موج اول، امکان استفاده از گزارش‌ها و نتایج گذشته برای مقابله با این بیماری وجود دارد (همشهری، ۹۹/۴/۲۷، کد خبر: ۵۳۱۵۸۱). این بیماری در کمتر از سه ماه تقریباً در همه کشورهای ثبت شده و در مدتی اندک سبب ایجاد هراس همگانی، ایجاد قرنطینه و ممنوعیت رفت و آمد و قوانین سخت‌گیرانه در رفت و آمد شد.

علم فقه به دلیل گستره وسیع و کاربردی بودن، در فراز و نشیب‌های زندگی فردی و اجتماعی مسلمانان جایگاه ویژه‌ای دارد و در کنار حوزه‌های فردی و خانوادگی، در دیگر زمینه‌های اجتماعی نیز نقش فعال و مؤثری داشته است. فقها برای بیان احکام شرعی، با پذیرش جغرافیای علوم و با تکیه بر دست‌آوردهای دیگر دانش‌ها، سعی در درک صحیح ماهیت امور و مسائل داشته و پس از مراجعه به متخصصان هر علم، به تطبیق موازین و ضوابط فقه اقدام کرده تا از این رهگذر با اطمینان بیشتری به بیان احکام شرعی اقدام نمایند. از این‌رو در مباحث مختلف به علمی چون: پزشکی، شیمی، جغرافیا، نجوم، زیست و... مراجعه کرده‌اند.

انسان موجودی اجتماعی است و دین نیز که با فطرت انسان سازگار است و بر اساس این طبیعت از جانب خداوند تشریح شده است؛ برای پاسخگویی به این نیاز بشری، پاره‌ای از اعمال و مناسک آن به صورت جمعی تشریح شده است. عباداتی همچون: نماز جماعت، نماز جمعه، حج، و دیگر مناسک شرعی باید به صورت جمعی ادا گردند. اهمیت و تأکید بر نمازهای جماعت و حضور در جمع به حدی است در هنگام جنگ نیز ترک آن جایز نبوده (النساء/ ۱۰۳) و عدم حضور از نماز جماعت در احادیث

۱- اسم این بیماری کرونا (Corona) است که به کوید-۱۹ (Covid-19) نیز شهرت یافته است. کوید-۱۹ مخفف عبارت بیماری کرونا ویروس ۲۰۱۹ (Corona Virus Disease -2019) می‌باشد.

از نشانه‌های نفاق معرفی شده است و اجازه داده شده است با مسلمانانی که در نمازهای جماعت شرکت نمی‌کنند (بخاری، ۱۴۲۲، ۱۲۵/۲؛ مسلم، بی تا، ۱۴۵/۱)؛ برخورد شود. تأکید بر حضور در نماز جماعت به اندازه‌ای است که حتی عذرهایی همچون نابینایی نیز جوازی برای ترک نماز جماعت به شمار نیامده است (مسلم، بی تا، ۴۵۲/۱). از سوی دیگر، تأکید بر اموری همچون: صلح‌رحم، عبادت بیماران، جستجوی احوال همدیگر و... همگی بیانگر جایگاه و تأکید اسلام بر بعد اجتماعی و تعامل گروهی در زندگی روزمره هستند. با این وصف، گاه شرایطی حادث می‌شود که عمل به این فرامین و تأکید بر انجام آن‌ها با برخی دیگر از مقاصد شریعت و اهداف تشریح در تراحم قرار می‌گیرد. برای مثال، در دین اسلام تأکید بر بهداشت و سلامتی و رعایت بهداشت فردی و اجتماعی نیز از اموری است که مورد تأکید قرار گرفته است و حتی افراد به دلیل رعایت حقوق دیگران، نیز ملزم به رسیدگی به بهداشت شخصی شده‌اند.

حال در شرایط بروز بیماری‌های مسری همچون کرونا، اگر حضور در نمازهای جمعه یا جماعت یا رفتارهای جمعی، سبب گسترش بیماری گردد؛ تقدم و اصالت به کدام یک داده شده و در صورت تراحم، کدامیک ترجیح داده می‌شود، تراحم بین مسائل دینی و الزامات بهداشتی، از امور و مسائلی است که نیاز به بررسی دارد و شیوع بیماری کرونا در چند ماه اخیر سبب شده است تا ضرورت و نیاز به این امر بیش از پیش احساس شود.

با توجه به نوظهور بودن بیماری کرونا و غفلت عموم مردم از مبانی دینی و مقاصد شرعی، تعارضات و سوء برداشت‌هایی از نحوه تعامل دین با مسائل بهداشتی پیش آمده و برخی از مردم، ترک عبادات و مناسک جمعی را حمل بر بی‌تقوایی و خروج از دین نموده و برخی دیگر نیز بدون آگاهی از مقاصد شریعت، مبانی دینی را محکوم می‌کنند که هر دو دیدگاه از جهل به مبانی و مقاصد شریعت ناشی می‌شود؛ لذا ضرورت دارد در قالب نوشته علمی با تکیه به منابع اصلی فقه اسلامی، به تبیین نگاه فقه اسلامی در خصوص نحوه جمع بین رفتارها و مناسک جمعی دین با الزامات و مسائل بهداشتی پرداخته و تعارض موجود را برطرف نمود.

مواد و روش‌ها

پژوهش حاضر با روش توصیفی — تحلیلی به دنبال رسیدن به پاسخ شیوه رفع تراحم الزامات بهداشتی با مناسک جمعی است. بدین جهت با بررسی رخصت‌های شرعی و عذرهای معتبر از نگاه دین

و نیز بیان مقاصد شریعت و قواعد مرتبط، به تطبیق میان مذکور با بیماری کرونا اقدام کرده و تلاش شده است تزامم موجود از طریق جمع ادله رفع گردد.

یافته‌ها

یافته‌های پژوهش حاضر، بر اساس پذیرش اظهارات علم پزشکی درباره سرعت و سهولت انتقال بیماری کرونا، بر آن است که با توجه به پذیرش عذرهای شرعی و رخصت عدم حضور در اجتماع در زمان مشتقت و نیز با تأکید بر حفظ جان به عنوان یکی از ضروریات دین، می‌توان شیوع بیماری مسری و مهلک را به عنوان رخصت برای محدود کردن حضور در عبادات جمعی در نظر گرفت.

۱- مفهوم‌شناسی «تزامم»

در پاره‌ای موارد، تطبیق ضوابط و راهکارهای شرع یا قانون، با همدیگر دچار تداخل مفهومی یا مصداقی می‌شوند و برای رفع تقابل نصوص و قواعد در هر علمی شیوه‌هایی ارائه شده است. در اصول فقه اسلامی نیز، در باب تعارض و ترجیح یا مرجحات به این موضوع پرداخته شده است. در صورت تقابل نصوص، دو حالت کلی «تعارض» و «تزامم» وجود دارد.

تعارض در لغت از ریشه «عَرَضَ» به معنای ارائه کردن و آشکار کردن است. به جسمی که به سبب بزرگی، به خوبی قابل رؤیت باشد، «عریض» گفته می‌شود. به هماوردی و تقابل دو نفر نیز «معارضه» گفته می‌شود (ابن منظور، ۱۴۱۴، ۱۶۶/۷). «تعارض ادله» عبارتست از حالتی که یکی از دلایل مثبت حکمی و دلیل دیگر نافی آن باشد؛ به گونه‌ای که باهم قابل جمع نباشند. نظر راجح در فقه اسلامی آن است که در صورت صحت ادله و نصوص، تعارض بین ادله وجود ندارد و اختلاف ظاهری با طرق مختلف قابل جمع و رفع می‌باشد و ادعای تعارض در بین نصوص صحیح و ادله معتبر ناشی از نگاه سطحی و جهل به دلالات الفاظ و طرق جمع است (ابن حزم، بی تا، ۳۸/۲؛ جوینی، ۱۴۱۸، ۱۹۵/۲). بر اساس دیدگاه راجح، تعارض حقیقی بین نصوص وجود نداشته و با روش‌های رفع تعارض، قابل جمع می‌باشد.

«تزامم» در لغت از ریشه «زَحَمَ» به معنای فشردگی و در تنگنا قرار گرفتن است و هنگامی که در زبان عربی گفته می‌شود: «زحم القوم» بدان معناست که مردم به دلیل شدت تجمع همدیگر را به ستوه آورده‌اند (ابن منظور، ۱۴۱۴، ۲۶۳/۱۲). تزامم در اصول فقه بدان معناست که دو دلیل یا حکم شرعی

در زمان امتثال یا عمل با همدیگر دچار تعارض گردند و عمل به یکی از دو حکم موجب ترک دیگری می‌شود و هر دو حکم نیز از نگاه شارع مطلوب باشند؛ اما امتثال هر دو عمل به صورت همزمان برای یک مکلف مقدور نباشد و مکلف ناگزیر باید یکی از آنها را ترک کرده و تنها به یکی از دو حکم عمل نماید (مظفر، ۱۳۸۴، ۳۷۳).

لازم به ذکر است اختلاف دو نص در حال تراحم، موقتی بوده و به دلیل حدوث شرایط خاص برای مکلفان پیش می‌آید. برای مثال، شرکت در مناسک جمعی و نیز تأکید بر بهداشت فردی و جمعی هر دو مطلوب شارع هستند و در حالت کلی با همدیگر تراحم ندارند؛ اما در شرایط خاص و موقت بیماری‌های مسری و بلایای طبیعی و غیره، عمل به هر دو همزمان به صورت موقت مقدور نیست؛ لذا برای ترجیح، به اسباب و طرق ترجیح مراجعه می‌شود و یکی از آنها تا بازگشت به حالت عادی ترجیح داده می‌شود.

در این ایام، بیماری کرونا با شتاب بسیار در حال گسترش است و با سرعت بالای انتقال بیماری در زمانی کمتر از دو ماه تقریباً اکثر نقاط کره زمین را درگیر کرده است. با توجه به جدید بودن ویروس جدید، ماهیت اصلی این ویروس و شیوه مقابله با آن و درمان این بیماری هنوز به صورت قطعی مشخص نشده و هر از چند گاهی خبر کشف داروی این ویروس در رسانه‌ها، بارقه‌های امید را در میان مبتلایان روشن ساخته؛ اما به همان سرعت نیز تکذیب می‌شود. تأکید بر این نکته ضروری است که علم فقه نیز بر اساس گزارشهای اعلام شده از جانب مراکز معتبر بهداشتی به بیان احکام فقهی مرتبط با کرونا یا سایر موضوعات مشابه می‌پردازد و اگر گزارش‌های جدیدی از جانب مراکز پزشکی ارائه شوند که دست‌آوردهای کنونی را نقض کند، نباید به تغییر احکام در علم فقه خرده گرفت؛ بلکه تغییر احکام فقهی در چنین مواردی نشان‌دهنده انطعاف و واقع‌گرایی در فقه اسلامی و پذیرش تخصص در نزد فقیهان است و نشانه تزلزل احکام فقهی نیست.

نحوه نگرش به یک موضوع، تأثیر مستقیم بر تحلیل و ارزیابی آن دارد؛ لذا بیان نگرش دین به انسان، مناسک دینی و اصول بهداشتی در تحلیل ضوابط و راهکارهای عملی و رفع تراحم بسیار کارآمد است. فهم صحیح مقاصد شریعت، سبب می‌شود در صورت بروز تعارض یا تراحم نصوص، با استناد به به اهداف شارع، تقدم و تأخر رتبی مقاصد آنها را کشف نمود و ضمن رفع ابهام، مجال تفسیر خردگرایانه

از نصوص را فراهم ساخت. اصلی‌ترین مبانی مرتبط با حوزه پژوهش حاضر را می‌توان به صورت زیر خلاصه کرد:

۱- سرشت اجتماعی انسان

۲- تأکید دین بر عبادات جمعی

۳- لزوم رعایت محدودیتهای اجتماعی در زمان شیوع بیماری‌های مسری
در ادامه به اختصار به مبانی مقدمات فوق اشاره می‌شود.

۲- سرشت اجتماعی انسان

بحث در باب سرشت انسان، تاریخی به قدمت حیات بشر دارد و میان حکما و اندیشمندان اختلاف در این باب فراوان است که حاصل آن پیدایش انواع مکاتب فلسفی و دیدگاه‌های انسان‌شناسی و جامعه‌شناسی است. غالب اندیشمندان قائل به اجتماعی بودن انسان هستند و آثاری که از فلاسفه گذشته همچون ارسطو و افلاطون بر جای مانده و وجود عباراتی همچون «مدنی الطبع بودن» یا «حیوان سیاسی» همگی دلالت بر پذیرش سرشت اجتماعی انسان دارند. در میان فیلسوفان مسلمان، ابونصر فارابی (۲۶۰-۳۳۹ هـ.ق.)، نخستین کسی است که به سرشت مدنی انسان پرداخته است (فارابی، ۱۱۹۵، ۱۶۲). پس از وی بزرگانی همچون ابوعلی سینا (۳۷۰-۴۲۷ هـ.ق.)، فخرالدین رازی (م. ۶۰۶ هـ.ق) و عبدالرحمان بن محمد بن خلدون (۷۳۲-۸۰۸ هـ.ق) و دیگران به بیان این مطلب پرداخته‌اند. استناد به اموری همچون: ارسال پیامبران، استفاده از تجربه گذشتگان و لزوم رشد همه جانبه انسان در کنار همدیگر، از دلایل نقلی و عقلی هستند که بیانگر اجتماعی بودن انسان هستند. بدیهی است زندگی اجتماعی در کنار مزایای فراوان، از حیث روحی آسیب‌هایی چون نفرت، حسادت، کینه را به همراه دارد؛ چنانکه از حیث ظاهری نیز پیامدهایی چون قتل، جنگ و کشتار و انواع آسیب‌های ظاهری را به همراه دارد؛ اما به دلیل مزایای فراوان زندگی جمعی و امکان اجتناب از آسیب‌های آن، همواره تمایل به حضور در اجتماع وجود داشته تا انسان از مزایای عقل تجربی بهره‌مند گردد (ابن‌سینا، ۱۹۸۸، ۴/۶۰-۶۱؛ رازی، ۱۴۱۱، ۲/۵۲۲؛ ابن‌خلدون، ۱۴۰۸، ۱/۵۹۴).

پذیرش سرشت اجتماعی انسان، مستلزم زندگی اجتماعی و حضور در جمع و به ویژه در مناسبت‌ها و مراسم‌های مختلف می‌باشد که این امر در صورت شیوع بیماری‌های واگیردار می‌تواند با خواسته‌ها و سرشت اصلی انسان در تضام قرار گیرد.

۳- تأکید بر جمع‌گرایی در دین اسلام

در آیات و احادیث متعددی به حضور در جمع دستور داده شده است. سفارش به حضور در جمع به صورت مطلق نبوده بلکه همواره سفارش به حضور سالم مورد تأکید قرار گرفته است؛ چنانکه در قرآن به مصاحبت با صادقان و راستان (توبه/۱۱۹) سفارش شده است تا زمینه رشد و تعالی انسان فراهم گردد. در کنار تأکید بر جمع‌گرایی، از عزلت و گوشه‌نشینی نهی شده است. چنانکه از پیامبر اکرم (ص) روایت شده است: «با جمع هم نشین باشید و از تنهایی و عزلت اجتناب کنید؛ چون شیطان با فرد تنها هم‌نشین می‌شود و از جمع دور می‌گردد. هر کس که دوست دارد، رانحه بهشت را بیابد، باید با جماعت هم‌نشین باشد (ترمذی، ۱۳۹۵، ۴/۴۶۵). چنانکه در حدیث دیگر آمده است: «شیطان با یک فرد و یا دو فرد همراه می‌شود و از جمع سه نفر یا بیشتر دوری می‌گزیند (ابن‌خزیمه، ۱۴۱۲، ۴/۱۵۲). حضور در جمع نه تنها به صورت عمومی بلکه خاص در هنگام عبادت نیز بیشتر مورد تأکید قرار گرفته و ماهیت عباداتی همچون نماز جمعه، حج و عمره با اجتماع و گردهم آمدن افراد محقق می‌شود. اهمیت حضور در عبادات و مناسک جمعی زمانی، آشکارتر می‌گردد که ترک آن، از نشانه‌های نفاق و غفلت به شمار آمده است (مسلم، بی‌تا، ۲/۵۱۹). چنانکه پیشتر اشاره شد، ترک نماز جماعت حتی برای افراد کم‌توان، همچون نابینایان نیز جایز شمرده نشده است.

حاصل سخن آنکه، همراستا با فطرت انسان، در شرع نیز تأکید بر حضور در اجتماع و انجام عبادات به صورت جمعی مورد تأکید قرار گرفته است و شایان ذکر است سفارش به حضور در اجتماع مطلق نبوده، بلکه در مواردی که جامعه ناسالم باشد، عزلت یا هجرت جایز و گاه نیز واجب اعلام شده است.

۴- لزوم رعایت محدودیتهای اجتماعی در زمان شیوع بیماری‌های مسری

بیماری از اموری است که همزاد و همراه بشر بوده و جسم و روح را مبتلا می‌کند. با تغییر شرایط زندگی، بیماری‌های جدیدی پدید می‌آیند که با توجه به وسایل ارتباط جمعی جدید، در صورت مسری

بودن بیماری، به سرعت از یک نقطه به نقطه دیگر انتقال یافته و در مدت اندکی سراسر کره زمین را فرا می‌گیرد.

در پزشکی بر اساس معیارهای مختلف، بیماری‌ها تقسیم‌بندی شده و برای سهولت تحقیق و ارزیابی، بر اساس فاکتورهایی چون: شدت، تأثیر، مسری بودن، منشأ، منبع و غیره بیماریها دسته‌بندی می‌شوند. یکی از انواع تقسیم‌بندی‌ها، دسته‌بندی بیماری بر اساس امکان سرایت و انتقال آن از شخص مبتلا به اشخاص سالم است و بر این اساس دو نوع بیماری مسری (واگیردار) و غیرمسری (غیرواگیردار) وجود دارد.

بیماریهای مسری (واگیردار) به بیماریهای اطلاق می‌شود که امکان انتقال عامل بیماری از شخص مبتلا به فرد سالم وجود دارد و در صورت وجود زمینه‌های انتقال، فرد یا افراد سالم نیز به بیماری مبتلا می‌شوند. از جمله بیماری‌هایی که در رده بیماریهای مسری قرار می‌گیرند، می‌توان به بیماری‌هایی چون: آنفلوآنزا، تب کریمه کنگو، تب زرد، زکام، سرخچه، سرخک، طاعون، طاعون خیارکی، مخمלק، وبا و غیره را نام برد. هر کدام از این بیماریها در مقاطع مختلف تاریخی در کشور ایران شایع شده و در مواردی نیز موجب مرگ و میر فراوانی شده است (میر صالحیان و دالوند، ۱۳۹۷، ۲۳۶-۲۳۷).

با کشف امکان سرایت بیماری از شخص مبتلا به افراد سالم، ساده‌ترین روش مقابله با بیماری و کنترل آن، محدود کردن ارتباط فرد بیمار با افراد سالم است. پیشگیری از بیماریهای عفونی و واگیردار از موضوعاتی است که در طب باستان ایران نیز بدان توجه شده است. هر چند در دوران گذشته اطلاعات محدود و اندکی از ماهیت بیماری و شیوه انتقال آن در دست بوده؛ با این وصف، در ایران باستان، در هنگام شیوع بیماری همه‌گیر (پرمرگ)، با استفاده از شیوه «برش‌نوم» یا «قرنطینه» به محدود ساختن فرد مبتلا اقدام کرده و روند قرنطینه‌سازی مبتلا تا زمان کشف درمان بیماری ادامه داشت (نجم‌آبادی، ۱۳۷۵، ۵۰). چنانکه مشاهده می‌شود این شیوه باستانی نیز در عصر حاضر نیز به عنوان اصلی‌ترین روش مبارزه با بیماریهای مسری و ناشناخته به کار می‌رود.

با پذیرش فطرت جمعی انسان و تأکید دین بر حضور در اجتماع و شرکت در مناسک جمعی، در شرایطی که حفظ سلامت فردی و بهداشت جمعی مستلزم محدودیتهای اجتماعی است تا چرخه انتقال بیماری کند و یا متوقف گردد تأکید بر حضور در جمع از یک سو و لزوم برقراری محدودیتهای

اجتماعی از سوی دیگر سبب تراحم بین راهکارهای شرعی در برخورد با نحوه تقابل با این شرایط خاص می‌گردد. در ادامه به بررسی راهکارهای رفع تراحم در این خصوص پرداخته می‌شود.

۵- طرق رفع تراحم

از سه طریق می‌توان برای رفع تراحم بین رفتارها و مناسک دینی با الزامات بهداشتی بهره جست:

۱- مقاصد شریعت

۲- رخصت‌های شرعی

۳- قواعد فقه

در ادامه به بیان مقاصد شریعت و رخصت‌های شرعی و ارتباط آنها با موضوع حاضر پرداخته

می‌شود.

۵-۱- مقاصد شریعت

مقاصد شریعت ترکیبی اضافی است و از دو واژه «مقاصد» و «شریعت» تشکیل شده است. «مقاصد» جمع «مقصد» مصدر میمی و اسم مکان از فعل «قَصَدَ» می باشد (فیومی، بی تا، ۵۰۴/۲؛ ابن منظور، ۱۴۱۴، ۳۶۴۲/۵). این ریشه در زبان عربی به معانی مختلفی به کار رفته است. معانی مختلف این واژه عبارتند از: خواستن و طلب چیزی و تلاش برای رسیدن بدان. (فیومی، بی تا، ۵۰۴/۲؛ فیروزآبادی، ۱۴۲۶، ۳۲۷/۱)، اعتدال و پرهیز از افراط در کارها، نزدیکی و قرب، استقامت در کارها و شکستن و گذشتن از موانع و ... (زبیدی، بی تا، ۴۶۶/۲؛ فراهیدی، بی تا، ۵۴/۵).

لازم به ذکر است معانی مجازی و ثانویه ماده «قصد» با معنای حقیقی آن قابل جمع بوده و لازمه طلب چیزی، رعایت اعتدال و در نتیجه نزدیک شدن و گذشتن از موانع می باشد.

واژه «شریعت» از ماده «شَرَعَ» به معنای مکانی است که دارای مسیر آب و خاستگاه مشخص می باشد. این واژه در اصل به سرچشمه آب و آبشخور حیوانات و سپس بر دین و قوانین الهی اطلاق شده است (ابن منظور، ۱۴۱۴، ۴۶۰/۸). به نظر می رسد اطلاق «شریعت» بر قوانین الهی از باب مشخص بودن ضوابط شریعت بوده و بدان سبب که قوانین الهی، روح زندگی سالم را در جامعه می دمد و همچون آب که در کالبد موجودات موجب حیات می شود، در اجتماع روح حیات می دمد، بدان اطلاق شده است. شریعت در اصطلاح به مجموعه قوانین و ضوابطی گفته می شود که از جانب خداوند بیان گردیده و عقاید و اعمال انسان را تبیین می کند (ابن تیمیه، ۱۴۱۶، ۳۰۶/۱۹). شایان ذکر است برخی

شریعت را اطاعت و التزام به فرامین الهی و اطاعت از رسول و اولی الامر دانسته اند (همان، ۳۰۹/۱۹؛ جرجانی، ۱۴۰۳، ۱۶۷).

با جمع بندی اقوال فقها در باب تعریف مقاصد شریعت می توان گفت: مقاصد شریعت عبارتست از غایات و حکمتهایی که خداوند در اوامر و نواهی شریعت اراده کرده تا زمینه اصلاح امور دنیوی و اخروی بندگان را محقق سازد. مقاصد شریعت با این تعریف، با مفاهیمی همچون حکمت، معنا، علت، مناسب، مناسبت، مصلحت و ... ارتباط نزدیکی خواهد داشت که این مفاهیم در حوزه های مختلف اصول فقه از مبانی استنباط احکام و به ویژه اجتهاد در امور مستحدث می باشند.

دانشمندان اسلامی بر اساس اهمیت و اولویت، مقاصد را به سه دسته: «ضروریات»، «حاجیات» و «تحسینیات» تقسیم بندی کرده اند. با توجه به آنکه بیماری از اموری است که سلامت انسان را تهدید می کند و حفظ جان از ضروریات به شمار می آید، لذا به بررسی ضروریات در فقه اسلامی و تأثیر آن بر احکام فقهی ناظر به بیماری های واگیردار پرداخته می شود.

ضروریات عبارتند از مصالحی که متضمن اموری اساسی و ضروری در حیات فردی و اجتماعی بوده به گونه ای که اگر این امور مختل شوند و یا آسیب ببینند، حیات فردی و نظم اجتماعی بر هم خورده و کبان جامعه را با خطر تهدید می کند (رازی، ۱۴۱۸، ۲/۲۲۰؛ شاطبی، ۱۴۱۷، ۸/۲). صاحب نظران با استقراء نصوص قرآنی و آیاتی همچون: ۱۵۱-۱۵۳ سوره الأنعام، ۲۳-۳۶ الإسراء، ۱۲ الممتحنه و ... و احادیث مرتبط، (زرکشی، ۱۴۱۴، ۵/۱۲۳؛ قطب، ۱۴۱۲، ۳/۱۲۳۱-۱۲۳۳) مصالح ضروری را در امور در امور پنجگانه و به صورت زیر تقسیم بندی نموده اند:

الف - حفظ دین: مهم ترین و اصلی ترین هدف تشریح حفظ دین بوده و خداوند نیز عبادت را هدف اصلی خلقت معرفی نموده است. از نگاه خداوند دین حقیقی تنها اسلام بوده که غیر آن از بندگان قابل پذیرش نمی باشد. (آل عمران/۱۹ و ۸۵). با توجه به محوریت و اهمیت دین، حفظ آن نیز از مهم ترین مقاصد تشریح است، چون در صورت ضیاع و فساد آن، دیگر مقاصد نیز از بین رفته و روح انسانیت و حیات سالم در جامعه از بین می رود (محمد/۱۲؛ الفرقان/۴۴)؛ لذا با تشریح و الزام احکامی همچون جهاد، دعوت به دین، الزام به جمعی بودن عبادات و ... حفظ دین را بر مسلمان واجب نموده است. در صورت اهمال در تحقق دین حقیقی، زیاده خواهی های انسان بر جامعه حاکم شده و به تدریج جامعه را

به تباهی خواهند کشاند (المؤمنون/۷۱). از اینرو فقها حفظ دین را نخستین ضرورت از ضروریات مقاصد شریعت قلمداد کرده اند (شاطبی، ۱۴۱۷، ۴۰/۲؛ قرطبی، ۱۳۸۴، ۱۴۰/۱۲).

ب - حفظ جان: از نگاه اسلام، جان انسانها ارزش والایی داشته تا حدی که قبل بی گناه یک انسان به مثابه قتل تمام مردم معرفی شده است (المائده/ ۳۲) و از نگاه فقهی، جامعه اسلامی موظف است با ایجاد امنیت همه جانبه و شامل، از همه انسانهای جامعه (مسلمان و غیر مسلمان) را محافظت نماید (نووی، ۱۴۱۲، ۱۴۸/۹). اسلام برای حفظ جان، احکامی همچون: حرمت تجاوز به نفوس، قصاص، ضمانت جان، ضرورت وجود بینه در دعاوی جرح و قتل، اباحه تناول محظورات برای حفظ جان و ... را تشریح نموده است (ابن قدامه، ۱۴۲۳، ۸۸/۱۲؛ نووی، ۱۴۱۲، ۱۳۱/۹؛ کاسانی، ۱۴۰۶، ۲۶۴/۷). توجه به شواهد و دلایل مختلف در باب اهمیت جان، سبب شده است فقها حفظ آن را به عنوان دومین ضرورت از ضرورت‌های پنجگانه مقاصد شریعت بپذیرند.

ج - حفظ عقل: خرد و عقل، ممیزه انسان از حیوان و بزرگترین نعمت خداوند بر انسان است. اهمیت خرد و عقل از نگاه اسلام زمانی آشکارتر می گردد که امر به تفکر و تدبیر در قرآن بسیار بیشتر از امر به عباداتی چون نماز و زکات یا روزه مورد سفارش قرار گرفته است. حفاظت از این موهبت بی بدین از بدیهیات عقلی می باشد که در دین اسلام نیز به صورت ویژه ای بر صیانت و حفظ آن تأکید شده است، از اینرو در اسلام هر کاری که عقل را مختل سازد، حرام اعلام شده است. بر این اساس، کارهایی چون شرب خمر، مسکرات و هر چیزی که موجب ازاله و یا نقصان عقل شود، ممنوع می باشد؛ از اینرو برای مجازات شارب خمر ۴۰ و یا ۸۰ ضربه شلاق تعیین شده است (شافعی، ۱۴۱۲، ۱۸۰/۶؛ ابن قدامه، ۱۴۲۳، ۴۹۸/۱۲) که هدف از این مجازات، بازداشتن افراد از ارتکاب مقدمات اِسْکَار می باشد. با استناد به تنقیح مناط می توان گفت هر چیزی که زائل کننده عقل بوده و یا آن را تحت الشعاع قرار دهد، حرام بوده و ذکر آن در احادیث از باب اختصاص است و حرمت تناول شامل انواع داروهای روان گردان و مواد مخدری که سبب می شوند عقل انسان دستخوش تغییر شود می گردد و تعارض آن با حفظ عقل موجب حرمت آن می گردد.

د - حفظ نسب: از حریمها و ارزشهای جامعه انسانی، نسب، خانواده و روابط خونی می باشد که از نگاه اسلام حرمت خاصی برای آن قرار داده شده است و از اینرو حفظ آن نیز از ضرورت‌های فقه اسلامی قلمداد می شود (رازی، ۱۴۱۸، ۲۲۰/۲). لازم به ذکر است برخی از فقها به جای نسب، «نسل» را به

عنوان یکی از ضرورت‌های خمسه بیان کرده (غزالی، ۱۴۱۳، ۲/۲۱۵؛ آمدی، بی تا، ۳/۲۷۴؛ شوکانی، ۱۴۱۹، ۲۶۱)، چنانکه دسته ای «عرض» و آبرو را از ضروریات دانسته اند (جوینی، ۱۴۱۸، ۲/۱۱۵۱؛ ابن تیمیه، ۱۴۱۶، ۳۲/۲۳۴) که در واقع هر سه - با وجود تفاوت‌های جزئی - ناظر به یک حوزه معنایی مشترک می باشند.

در اسلام برای حفظ نسب و نسل، قوانین متعددی از جمله اباحه و یا وجوب ازدواج، حرمت زنا، حرمت لواط، حرمت سقط جنین، و... تشریح شده و برای حفظ آبرو، ضمن تشویق به پاکدامنی در قالب ازدواج و یا خویشستن داری، حرمت بهتان، قذف، غیبت، دروغ، نامی، و... تشریح شده است. اهمیت و جایگاه نسب و عرض سبب شده است که به عنوان یکی از ضرورت‌های دینی قلمداد شده و پس از حفظ دین، جان و عقل، از مهم ترین ضرورت‌های تشریح به شمار آید.

ه - حفظ مال: از ضرورت‌های زندگی که مصالح دنیوی با آن قوام پیدا می کند، «مال» است که در قرآن با عباراتی همچون «قیام» و «قوام» از آن نام برده شده که اضعاء آن حرام اعلام شده است. ارزش مال در اسلام ارزش ذاتی نبوده، بلکه عرضی می باشد و زمانی دارایی ارزشمند می باشد که برای کسب و نگهداری آن، اخلاق و فضایل انسانی تحت الشعاع قرار نگرفته باشد. بر این اساس است که خداوند در آیات مختلف، پیامبرانی را که دارای مکنت مالی بوده اند را ستوده و با تبجیل از آنها یاد نموده است.

به دلیل جایگاه و اهمیت مال در اسلام، راهکارهای سلبی و ایجابی برای حفظ آن تشریح شده است. راهکارهای ایجابی حفظ مال، اموری همچون: تشویق به کار، اباحه معاملات و دادوستد (البقرة/۲۷۵)، ترغیب به کسب مال برای منافع دنیوی و اخروی (البقرة/۲۶۱ - ۲۷۵؛ المزل/۲۰) را تشریح و با راهکارهای سلبی همچون: تحریم تجاوز به مال دیگران، تحریم اضعاء مال (الإسراء/۲۶ - ۲۷)، حد سرقت (المائدة/۳۲) و ضمان متلفات و ... زمینه کامل حفظ مال را فراهم نموده است (ابن قدامه، ۱۴۲۳، ۱۲/۴۷۴؛ قرطبی، ۱۳۸۴، ۳/۴۷۱).

جمهور فقها ترتیب ضروریات خمس را به این صورت پذیرفته اند. شایان ذکر است که برخی ضرورت حفظ دین را بر بقیه امور مقدم نمی دانند و معتقدند جایگاه دین، پس از حفظ جان و در مرتبه دوم می باشد (اسنوی، ۱۴۰۰، ۱۰/۱۵۴؛ ابن همام، ۱۴۲۱، ۳/۲۳۱)، اما علمای اصول با دلایل متعدد بر

ضرورت حفظ دین بر سایر ضروریات تأکید کرده اند. در هر حال، همه فقها اصولیان این پنج مورد را به عنوان ضروریات خمس در فقه اسلامی پذیرفته و معتقدند در صورت اخلاص یکی از این محورها در جامعه، حیات فردی و اجتماعی با اختلال و مشکل مواجه می گردد.

پس از ضروریات خمس، حاجیات و تحسینیات در مراتب بعد قرار گرفته و اهمیت آنها از حیث رتبی، کمتر است و به دلیل ارتباط مستقیم با بحث حاضر از پرداختن بدانها خودداری می شود.

چنانکه گذشت، ضرورت حفظ دین، نخستین ضرورت از مقاصد شارع بوده و در قانون گذاری اسلامی حفظ دین مهم ترین مقصد است؛ با این وصف اگر شرایط موقتی و اضطرار پیش بیاید، جواز تقدم حفظ جان بر حفظ دین وجود دارد. برای مثال در آیات مختلفی حرمت خوردن و نوشیدن اجناسی همچون: گوشت مردار، خون، خمر و غیره بیان شده است؛ با این وصف در آیات ۱۷۳ سوره بقره، ۳ سوره مائده، ۱۱۹ و ۱۴۵ سوره انعام و ۱۱۵ سوره نحل اشاره شده است که اگر کسی در اضطرار قرار گرفت و به شرط آنکه هدف وی مخالفت با فرامین الهی نبوده و نیز از حد ضرورت تجاوز نکند؛ برای حفظ جان در حد ضرورت مجاز است از خوردنی حرام استفاده کند، می تواند از رخصت شرعی بهره گرفته و جان خود را نجات دهد.

مورد دیگر جواز تقدم مصلحت حفظ جان، در حالت اکراه است. چنانکه در آیه ۱۰۶ سوره توبه، اشاره شده است که اگر کسی در حالت اکراه و اجبار و برای حفظ جان، عبارت کفرآمیز بر زبان بیاورد، به شرط آنکه در قلب خویش اعتقاد باطنیش راسخ بوده و اطمینان قلبی داشته باشد. بر این اساس، در شرایط اضطرار و اکراه به صورت موقت و در چهارچوب مشخص، اجاز تقدم حفظ جان بر حفظ دین وجود دارد.

بر این اساس، می توان گفت اگر نوعی بیماری پدید آید که بسیار مسری باشد و امکان احتراز از آن سخت باشد و علاوه بر مسری بودن، مهلک بوده و یا آنکه فرد مبتلا را به مشقت بیندازد، می توان به صورت موقت، برخی از زمینه های گسترش و شیوع بیماری را تقلیل داد یا تعطیل کرد، تا حالت اضطرار از بین برود و برای حفظ جان، از رخصت ها استفاده نمود. نکته دیگر آنکه احکام ضرورت تنها در حالت اضطرار بدانها عمل می شود و پس از پایان دوران اضطرار، احکام به حالت عادی برگشته و جوازی برای تعطیل یا تخفیف احکام باقی نمی ماند.

۵-۲- رخصت‌های شرعی

احکام شرعی بر اساس مبانی مختلف دسته‌بندی می‌شوند. از معیارهای تقسیم‌بندی احکام، دسته‌بندی احکام شریعت بر اساس شرایط ویژه و حالت‌های خاص است. بر این اساس احکام شرعی به دو دسته عزیمت و رخصت تقسیم می‌شوند. «عزیمت» از ریشه «عَزَمَ» در لغت، به معنای قصد جدی و مؤکد (ابن منظور، ۱۴۱۴، ۳۹۹/۱۲) و در اصطلاح عبارتست از احکام شرعی که به صورت ابتدایی و کلی تشریح شده‌اند و در تشریح آنها وجود مانع یا عارض بیان نشده است (سرخسی، بی تا، ۱۱۷/۱). «رخصت» در لغت از ریشه «رَخَصَ» به معنای لطیف، ملایم، آسان و جایز بوده (ابن منظور، ۱۴۱۴، ۴۰/۷) و در اصطلاح عبارتست از احکامی که به دلیل وجود عذر مباح شده و حکم اباحه در شرایط خاص به معنای عدم حرمت کلی نمی‌باشد بلکه به دلیل شرایط خاص مکلف یا شرایط ویژه اجتماع است که به صورت موقت احکام تخفیف یافته یا تسهیل می‌گردند (سرخسی، بی تا، ۱۱۷/۱). بنابراین احکامی همچون خوردن و آشامیدن که در اصل مباح یا جایز هستند و یا محارمی که جوازی برای اباحه آنها وجود ندارد رخصت به شمار نیامده و تنها مواردی چون اباحه تناول گوشت یا نوشیدنی حرام در هنگام اضطراب و یا اباحه افطار در ماه رمضان در هنگام بیماری و سفر جزو رخصت‌ها به شمار می‌آیند (رازی، ۱۴۱۸، ۱۲۰/۱).

رخصت‌ها از حیث شمول و گستردگی به دو دسته رخصت‌های عام و خاص تقسیم می‌شوند. پاره‌ای از رخصت‌های عام عبارتند از: باران شدید، تاریکی فراوان، گل و لای بودن مسیر، وجود خوف در شرایط جنگی و غیر آن که احتمال آسیب جانی و مالی وجود دارد، و غیره. دیگر رخصت‌ها خاص بوده که جنبه شخصی داشته و تنها برای فردی که در آن شرایط قرار دارد، رخصت ایجاد کرده و مانع حضور دیگران نمی‌شود. عواملی چون شدت اجابت مزاج، آماده بودن غذا در زمان گرسنگی شدید، ترس از اتلاف مال یا آسیب جانی، پرستاری از مریض و غیره از جمله رخصت‌های خاص به شمار می‌آیند (جوینی، ۱۴۲۸، ۳۶۸/۲؛ سیوطی، ۱۴۱۱، ۱۵۷/۱؛ شربینی، ۱۴۱۵، ۶۴۶/۲). وجه جامع رخصت‌های عام و خاص در فقه اسلامی آن است که هر گاه انجام عملی به صورت جمعی یا فردی موجب مشقت یا آسیب به جمع یا فرد شود، به صورت مقطعی می‌توان از مجوزها و رخصت‌های شرعی در جهت رعایت حال مکلفان استفاده کرد. هر چند بیماری به صورت کلی به عنوان رخصت

پذیرفته شده است؛ اما در تطبیق آن و نحوه و میزان پذیرش یک بیماری خاص به عنوان عذر، میان فقها اختلاف نظر وجود دارد. به نظر می‌رسد در صورت اثبات مسری بودن بیماری که موجب آسیب جدی به سلامت افراد می‌شود و به جز قرنطینه کردن یا محدودیت رفت و آمد راهی برای مقابله با بیماری وجود ندارد، در این صورت امکان استفاده از رخصت‌های شرعی به صورت فردی برای عدم حضور در اجتماع تا زمان کشف دارو یا شیوه کنترل بیماری خواهد داشت تا بدین وسیله علاوه بر کنترل سریع بیماری و مقابله با آن، به حقوق خود و دیگران نیز احترام گذاشت که رعایت حقوق مردم از جمله اموری است که حتی در امور روزمره بسیار بر آن تأکید شده است.

تأکید بر رعایت و حفظ حقوق دیگران تا حدی است که پیامبر(ص) سفارش کرده‌اند که اگر کسی سبزیجاتی یا غذایی خورده است که بوی آن برای دیگران آزار دهنده است، در نماز جماعت حاضر نشود. چنانکه از پیامبر(ص) روایت شده است: «مَنْ أَكَلَ الثُّومَ أَوْ الْبَصَلَ مِنَ الْجُوعِ أَوْ غَيْرِهِ فَلَا يَقْرَبَنَّ مَسْجِدَنَا» (بخاری، ۱۴۲۲، ۱/۱۷۰). در جایی که تأکید بر عدم آزار سایر مسلمانان در مسجد به خاطر بوی نامطبوع سیر و پیاز آنقدر مورد تأکید است که مانع حضور شخص در جماعت می‌شود، ابتلای افراد به ویروس و بیماریهای مسری که خطرات جانی و سلامتی آنها به مراتب بیشتر از بوی سبزیجات بوده، از باب قیاس اولی رخصت عدم حضور در جماعت را به صورت فردی فراهم می‌سازد. بر این اساس، در صورت صحت اظهارات مراکز پزشکی، با اعتماد و پذیرش سخن متخصصان و می‌توان شیوع کرونا را رخصت فردی برای عدم حضور در نماز جماعت یا جمعه برای افرادی مبتلا یا مشکوک به ابتلاء دانست.

۳-۵- قواعد فقه

در کنار نصوص فوق، قواعد فقهی متعددی نیز جواز عدم حضور در جماعت را از نگاه شرعی آشکار می‌سازد. قواعد مرتبط با شرایط موجود عبارتند از:

- الضرر یزال (آسیب و ضرر باید برداشته شود): این قاعده فقهی که از حدیث نبوی اخذ شده است که فرمودند: «لَا ضَرَرَ وَلَا ضِرَارَ» (مالک، ۱۴۲۵، ۴/۱۰۷۸؛ ابن ماجه، بی تا، ۲/۷۸۴)، حدیث بیانگر آن است که شخص مسلمان حق ندارد به خودش یا دیگری آسیب و ضرر برساند و هر نوع ضرری به خود یا دیگری حرام می‌باشد و فقها در توضیح و تطبیق مصادیق آن انواع آسیب‌های جزئی و کلی را بیان کرده‌اند که با آن جان، مال و امنیت دیگر افراد تهدید می‌شود که در موارد متعددی خطر و آسیب

آن کمتر از خطر بیماری شدید و یا مرگ می‌باشد (سیوطی، ۱۴۱۱، ۸۶-۸۸) با توجه به اینکه شیوع بیماری مسری، در کنار تهدید سلامت جسمی، فشار روانی و فکری زیادی را بر افراد حمل می‌کند؛ حال که ممکن شخص ناقل از ابتلای خودش هم بی‌خبر باشد، این امر موجب احتیاط بیشتر افراد در آسیب نرساندن به خود و دیگران می‌شود و واجب است با رعایت احتیاط لازم خود و دیگران را از ابتلاء بدان مصون داشت. حکم مذکور را می‌توان از باب قیاس اولی دانست که علت حکم در فرع اولی از برخی از مصادیق اصل در فقه می‌باشد.

— **الضرورات تبيح المحظورات:** معنای قاعده فقهی اخیر آن است که در هنگام ضرورتها، در حد ضرورت و رفع سختی، محظورات (مکروه و حرامها) جایز می‌شوند. اصل این قاعده از آیات و احادیث گرفته شده است که برای شخصی که به غذا یا نوشیدنی دسترسی ندارد، می‌تواند در حد زنده ماندن و حفظ جان، از گوشت حرام همچون مردار بخورد چنانکه در آیه ۱۷۳ سوره بقره نیز بدان اشاره شده است (سیوطی، ۱۴۱۱، ۸۴). ضرورتها در فقه اسلامی و علم مقاصد شریعت به ضرورت حفظ دین، حفظ جان، حفظ عقل، حفظ نسل و حفظ مال دسته بندی شده‌اند که رعایت این امور باید همواره در تبیین احکام مد نظر فقیه قرار گیرد (ابن قدامه، ۱۴۲۳، ۴۸۱/۱؛ آمدی، بی‌تا، ۲۷۴/۳؛ اسنوی، ۱۴۲۰، ۳۶۴/۱؛ شاطبی، ۱۴۱۷، ۳۱/۱). بر این اساس حفظ نفس جزو ضروریات بوده و اگر جان مسلمانان در خطر بیفتد و امکان حفظ جان آنها با قرنطینه مقطعی وجود داشته باشد، واجب است که حکم به حفظ جان صادر کرده و رخصت عدم حضور در نماز جماعت برای کسانی که احتمال ابتلاء به بیماری مسری را وجود دارد. همچنین شایان ذکر است قاعده فوق تا زمان ضرورت پابرجا بوده و بر اساس قاعده دیگر «الضرورات تقدر بقدرها» (سیوطی، ۱۴۱۱، ۸۴ — ۸۵) رخصت عدم حضور در نماز جماعت تنها تا زمان شیوع بیماری جایز بوده و اگر مخافت بیماری و ترس ابتلاء از بین رفت و بیماری کنترل و ریشه‌کن شد، جوازی برای ترک جماعات وجود نداشته و اهمال در برپاداشتن نماز جماعت و اقامه شعائر دینی حرام می‌باشد.

— **المشقة تجلب التيسير:** قاعده مذکور مستنبط از آیات و احادیث بوده و بیانگر آن است هر گاه انجام امری موجب مشقت و سختی غیر معمول گردد، مشقت سبب تخفیف احکام می‌شود چنانکه اگر خواندن نماز واجب در حالت ایستاده برای بیماران سخت باشد، جایز است که نماز را به صورت نشسته

بخواند. لازم به ذکر است مشقتی می‌تواند موجب تخفیف احکام شود که موجب مشقت غیرعادی شود (زیدان، ۱۴۲۲، ۵۵-۵۷). با توجه به پیامدهای تنفسی و حاد بیماری کرونا در صورت ابتلا به آن، بدیهی است که مشقت و سختی مراقبتهای بیماری که نه تنها خود شخص را درگیر می‌سازد، بلکه احتمال ابتلا کادر پزشکی را بالا می‌برد، مشقت نه تنها برای فرد و خانواده ایجاد می‌شود، بلکه دیگر افراد را درگیر کرده و همه را در حرج و سختی می‌اندازد. با پذیرش ماهیت و نحوه انتقال بیماری، می‌توان به دلیل رفع مشقت و مقدمات آن، برای افرادی که در معرض بیماری قرار داشته و امکان ابتلاء به آن وجود دارد، جواز عدم حضور در جماعت وجود دارد و تا علاوه بر کاهش زمان و دوره بیماری، تعداد مبتلایان را نیز کاهش داد و به سرعت جامعه را به حالت عادی بازگرداند.

قواعد فوق و دیگر قواعد و شواهد فقهی که بیانگر لزوم رفع حرج و دعوت به تیسیر در احکام شریعت دارد، مبنای جواز حکم به رخصت در عدم حضور در جماعت به شمار می‌رود.

آیات قرآنی، شواهد حدیثی و قواعد و مبانی فقهی این جواز را در اختیار مجتهد قرار می‌دهد برای رعایت مصالح مردم و حفاظت از جان و نفس آنها به صورت موقت، رخصت فردی برای افراد مبتلا یا مشکوک را برای عدم حضور در جماعت و نیز رخصت عمومی در مناطقی که بیماری شیوع پیدا کرده است و اکثر افراد جامعه را مبتلا کرده است، صادر نمود و بدین وسیله از شیوع بیماری کنترل و محدود شده و یاری رساندن به مبتلایان آسان‌تر باشد.

نتیجه‌گیری

دین همواره بر مسائل بهداشتی تأکید کرده و رعایت آن را به عنوان اصول اخلاقی ضروری مورد تأکید قرار گرفته است. تأکید بر رعایت مسائل بهداشتی نه تنها در حالت بیماری، بلکه در مواردی که سبب اذیت جزئی افراد می‌شوند، بر مسلمانان واجب گشته است؛ چنانکه در حالت خوردن غذاهایی با بوی تند و نامطبوع، سفارش شده است که فرد از حضور در نماز جماعت صرف‌نظر کرده تا حضور وی در جمع موجب آزردهی خاطر دیگران نگردد، بدیهی است که تناول غذا با رائحه تند، موجب سرایت بیماری نمی‌گردد، با این وصف، جواز عدم حضور فرد در جمع را به خاطر مصالح کلی فراهم می‌سازد؛ با در نظر گرفتن این مطلب، در صورت ابتلا فرد به بیماری مسری که امکان شیوع آن نیز بسیار بالا می‌باشد، ضرورت رعایت و عمل به رخصت بیشتر نمایان می‌شود. با این توضیح نه تنها تعارض و

تزاممی بین مناسک دینی و الزامات بهداشتی وجود ندارد، بلکه مبانی دینی پایه‌گذار و مؤید الزامات بهداشتی می‌باشند.

در خصوص معیار و مبنای ایجاد رخصت شرعی برای عدم حضور در عبادات جمعی، می‌توان گفت هر گاه حضور در جماعت موجب مشقت فرد گردد، در فقه اسلامی اجازه داده شده است که فرد از حضور در جماعت خودداری کند و هر گاه مشقت عام باشد، در مرحله اول باید با رعایت موازین و ضوابط بهداشتی امکان حضور در جماعت وجود دارد؛ اما اگر به دلیل شدت مسری بودن بیماری و عواقب ناگوار آن، حضور در جمع سبب انتشار آن می‌گشت، به صورت موقت تا زمان رفع و کنترل بیماری امکان محدود کردن عبادات و مناسک جمعی وجود دارد.

در نگاه اسلام، مراجعه به متخصصان در امور مختلف، توصیه شده و بر همین اساس، فقها در برخورد با ماهیت و بیان حکم شرعی کرونا، بر اساس اظهارات پزشکان به بیان حکم فقهی کرونا می‌پردازند. از زمان شیوع بیماری کرونا، اظهارات متفاوت و در مواردی متناقض از سوی مراکز بهداشتی صادر شده که در بیان حکم شرعی آن تأثیرگذار می‌باشد. با این وصف آخرین گزارشهای پزشکی بیانگر شدت سرایت این بیماری و ماندگاری ویروس آن در سطوح مختلف و امکان ابتلای سریع افراد به این ویروس هستند و تا زمان یافتن داروی مناسب برای کنترل این بیماری، تنها روش کنترل بیماری، محدود کردن اجتماعات و گردهم‌آیی‌ها است. بر این اساس اگر رعایت پروتکل‌های بهداشتی در یک جامعه نتوانست مانع سرایت و شیوع بیماری گردد؛ می‌توان قائل به رخصت عدم حضور فرد تا زمان کنترل بیماری یا کشف داروی مناسب گشت و هر گاه داروی مناسبی برای کنترل بیماری کشف شود یا گزارشهای جدید پزشکی، یافته‌های جدیدی را در مورد ماهیت بیماری کشف کنند که بر بیان حکم، تأثیرگذار باشد، می‌توان جواز عدم حضور در عبادات جمعی را به عنوان رخصت شرعی پذیرفت. بدیهی است در صورت که امکان حضور در جمع با رعایت فاصله اجتماعی و وسایل بهداشتی وجود داشته باشد، رخصت مذکور نیز از بین رفته و وجوب یا استحباب به حالت اصلی برخواهد گشت.

منابع

- ابن ابی شیبیه، ابوبکر ابن ابی شیبیه. (۱۴۰۹). المصنف فی الأحادیث والآثار. تحقیق: کمال یوسف الحوت. اول. ریاض. مکتبه الرشد.
- ابن تیمیة، تقی الدین احمد بن عبدالحلیم حرانی. (۱۴۱۶). مجموع الفتاوی (اول). تحقیق: عبدالرحمان بن محمد بن قاسم. مدینه. مجمع ملک فهد لطباعة المصحف الشریف.
- ابن حزم، ابومحمد علی بن احمد. (بی تا). الإحکام فی اصول الاحکام. تحقیق: احمد محمد شاکر. بیروت. دار الآفاق الجديدة.
- ابن حنبل، ابوعبدالله احمد بن محمد. (۱۴۲۱). مسند الإمام أحمد بن حنبل. تحقیق: شعيب الأرنؤط - عادل مرشد و همکاران. بیروت. مؤسسة الرسالة. اول.
- ابن خلدون، عبدالرحمن بن محمد. (۱۴۰۸). تاریخ ابن خلدون. تحقیق: خلیل شحاده. بیروت. دارالفکر. دوم.
- ابن سینا، ابوعلی حسین بن عبدالله. (۱۹۸۸). الإشارات والتنبیها. بیروت. مؤسسة النعمان.
- ابن قدامة، ابومحمد عبدالله بن احمد مقدسی. (۱۴۲۳). روضة الناظر و جنة المناظر فی اصول الفقه علی مذهب الإمام أحمد بن حنبل. مؤسسة الريان للطباعة و النشر و التوزيع. دوم.
- ابن کثیر، إسماعیل بن عمر بن کثیر القرشی البصری ثم الدمشقی. (۱۴۰۸). البداية و النهاية. بیروت. دار الفکر.
- ابن ماجة، ابوعبدالله محمد بن یزید. (بی تا). سنن ابن ماجة. تحقیق: محمد فؤاد عبدالباقي. بیروت. دار إحياء الكتب العربية - فيصل عيسى البابي الحلبي.
- ابن مندة، ابوعبدالله محمد بن اسحاق. (۱۴۲۳). التوحيد و معرفة أسماء الله عز وجل و صفاته علی الاتفاق و التفرد. تحقیق و تعليق: دکتر علی بن محمد ناصر. مدینه - سوریه. مکتبه العلوم و الحكم - دار العلوم و الحكم. اول.
- ابن منظور، محمد بن مکرم. (۱۴۱۴). لسان العرب (سوم). بیروت. دار صادر.

ابن همام سیواسی، کمال الدین محمد بن عبدالواحد. (١٤٢١)، التحرير في اصول الفقه مع التقرير و التخبير (دوم). مصر. مطبعة مصطفى البابي الحلبي و اولاده.

ابوداود، سليمان بن أشعث. (بی تا). سنن أبي داود. تحقيق: محمد محيي الدين عبدالحميد. بيروت - صيدا. المكتبة العصرية.

اسنوی، عبدالرحيم بن حسن. (١٤٢٠). نهاية السؤل شرح منهاج الوصول. بيروت. لبنان. دار الكتب العلمية.

آمدی، ابوالحسن علی بن أبي علی. (بی تا). الإحكام في أصول الأحكام. تحقيق: عبدالرزاق عفيفي. بيروت - دمشق. المكتب الإسلامي.

بخاری، محمد بن اسماعيل. (١٤٢٢). صحيح البخاری. تحقيق: محمد زهير بن ناصر الناصر. دار طوق النجاة. اول.

ترمذی، محمد بن عيسى. (١٣٩٥). سنن الترمذی. تحقيق: احمد محمد شاکر و محمد فؤاد عبدالباقي و ابراهيم عطوة. مصر. شركة مكتبة مصطفى البابي الحلبي. دوم.

جرجانی، علی بن محمد. (١٤٠٣). التعريفات (اول). بيروت. دار الكتب العلمية.

جوینی، عبدالملک بن عبدالله. (١٤١٨). البرهان في أصول الفقه. تحقيق: صلاح بن محمد بن عويضة. بيروت. دار الكتب العلمية. دوم.

جوینی، عبدالملک بن عبدالله. (١٤٢٨). نهاية المطلب في داريه المذهب. تحقيق: دکتر عبدالعظيم اديب. بيروت. دار المنهاج. اول.

رازی، محمد بن عمر. (١٤١٨). المحصول في علم الأصول. تحقيق: طه جابر فياض علواني. سوم. بيروت. مؤسسة الرسالة.

رازی، محمد بن عمر. (١٤١١). المباحث المشرقية. قم. بيدار. دوم.

زبیدی، محمد بن محمد. (بی تا). تاج العروس من جواهر القاموس. تحقیق: مجموعه ای از محققان.
دار الهدایة.

زیدان، عبدالکریم. (۱۴۲۲). الوجیز فی شرح القواعد الفقهیة الاسلامیة. بیروت، لبنان، مؤسسه
الرساله. اول.

سرخسی، محمد بن احمد. (بی تا). اصول السرخسی. بیروت. دار المعرفة.
سیوطی، عبدالرحمان بن ابی بکر. (۱۴۱۱). الأشباه و النظائر فی قواعد و فروع فقه الشافعیة. دار
الکتب العلمیة. اول.

شاطبی، ابراهیم بن موسی. (۱۴۱۷). الموافقات، تحقیق: أبو عبیدة مشهور بن سلمان آل حسن. دار
ابن عفان. اول.

شربینی، محمد بن أحمد خطیب. (۱۱۵). مغنی المحتاج إلى معرفة ألقاب المنهاج. بیروت. دار الکتب
العلمیة. اول.

شوکانی، محمد بن علی بن محمد. (۱۴۱۹). إرشاد الفحول إلى تحقیق الحق من علم الأصول (اول).
تحقیق: احمد عزو عنایة. دار الکتب العربی.

غزالی، ابو حامد محمد بن محمد. (۱۴۱۳). المستصفی من علم الأصول (اول). تحقیق: محمد
عبدالسلام عبدالشافی. بیروت. دار الکتب العلمیة.

فارابی، ابونصر محمد بن محمد. (۱۹۹۵). آراء أهل المدينة الفاضلة و مضاداتها. دمشق. دار الفكر
العربی.

فیروزآبادی، ابوطاهر محمد بن یعقوب. (۱۴۲۶). القاموس المحيط (هشتم). بیروت. مؤسسه الرسالة.
فیومی، احمد بن محمد. (بی تا). المصباح المنیر فی غریب الشرح الكبير. بیروت. المكتبة العلمیة.

کاسانی، علاءالدین ابوبکر بن مسعود. (۱۴۰۶). بدائع الصنائع فی ترتیب الشرائع. (دوم). بیروت. دار
الکتب العلمیة.

مالک، مالک بن انس بن عامر اصبحی (۱۴۲۵). الموطأ. تحقیق: محمد مصطفی الأعظمی. امارات.

ابوظبى. مؤسسه زاید بن سلطان آل نهیان للأعمال الخيرية و الأنسانیة. اول

ماورى، ابوالحسن علی بن محمد (۱۴۱۹). الحاوی الکبیر فی فقه مذهب الإمام الشافعی. تحقیق:

علی محمد معوض و الشیخ عادل أحمد عبد الموجود. بیروت. دار الکتب العلمیة. اول.

محاملی، احمد بن محمد (۱۴۱۶). اللباب فی الفقه الشافعی. تحقیق: عبدالکریم بن صنیتان العمری.

مدینه. دار البخاری. اول.

مسلم، مسلم بن الحجاج النیسابوری (بی تا). المسند الصحیح المختصر بنقل العدل عن العدل إلى

رسول الله صلی الله علیه وسلم. تحقیق: محمد فؤاد عبد الباقی. بیروت. دار إحياء التراث

العربی.

مظفر، محمدرضا (۱۳۸۴). اصول فقه. ترجمه محسن غرویان و علی شیروانی. سوم. قم. دارالفکر.

میرصالحیان، اکبر و دالوند، مصیب (۱۳۹۷). تاریخچه بیماری‌های عفونی باکتریایی شایع در ایران.

مجله میکروب‌شناسی پزشکی ایران. سال ۱۲. شماره ۲.

نجم‌آبادی، محمود (۱۳۷۹). تاریخ پزشکی ایران و جهان اسلام. تهران. دانشگاه تهران.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی